

فصل‌نامه تحقیقات زبان و ادب فارسی  
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر  
سال دوم: شماره ۳ - بهار ۱۳۸۹  
از صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۹

## فتوت: تصوف مدنی

دکتر علی محمد مؤذنی، استاد دانشگاه تهران\*  
فاطمه مهری، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

### چکیده

«فتوت» که در طول تاریخ همواره با تصوف ارتباطی نزدیک داشته، در «حیات شهری» جوامع اسلامی نیز تأثیرگذار بوده است. این تأثیرگذاری نه تنها از مقوله تأثیرگذاری فکری، بلکه از مقوله تحولات سیاسی و اجتماعی قابل توجه است. عده‌ای بر آنند که فتوت، نوعی تصوف عامیانه به شمار می‌رود؛ با این حال به نظر می‌رسد چنین فروکاستی قادر نیست نقش و تأثیر این مقوله را در رشد حیات اجتماعی این آیین به تمامی توضیح دهد. فتوت در طول تاریخ با ورود به عرصه بازار و اجتماع و نفوذ در طبقات پیشه‌ور و مرعی داشتن آداب و سننی که با تاروپود فکری این طبقات در هم آمیخته، توانسته است مفاهیم صوفیانه را با روح زندگی شهری که بر پایه پیشه‌وری بنا می‌شوند، چنان درآمیزد که به عنوان گونه‌ای تصوف مدنی مطرح شود. در این نوشتار، دلایلی برای اثبات این مقوله ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: فتوت، جوانمردی، پیشه‌وری، تصوف، زندگی شهری

### مقدمه

تصوف همواره از موضوعاتی بوده که نظر پژوهشگران و محققان حوزه فرهنگ و تمدن ایران را به خود جلب کرده است. از این رهگذر تاریخ و سیر تطور آن، موضوع تحقیقات گوناگونی نیز قرار گرفته است. «فتوت» نیز گرچه همواره به عنوان موضوعی در ارتباط تنگاتنگ با تصوف مورد توجه بوده، با این حال از آن جا که منابع و متون مربوط به آن، در مقایسه با متون متصوفه، چندان چشمگیر نبوده است، کمتر به عنوان موضوعی که در حیات فکری و اجتماعی جامعه ایرانی - اسلامی مؤثر بوده، موضوع تحقیق قرار گرفته است. یکی از دلایل این امر شاید آن باشد که فتیان یا جوانمردان، اغلب از میان مردم عامی برخاسته‌اند و کمتر به مکتوب کردن اصول عقاید خود، به ویژه در قرون اولیه، توجه نشان داده‌اند. با این حال، می‌توان رد پای آنان را در منابعی غیر از فتوت‌نامه‌ها، در متون تاریخی و ادبی نیز پی گرفت. اما می‌توان، متونی را که به طور خاص به فتوت و مقولات مرتبط با آن پرداخته‌اند، به چند دسته تقسیم کرد: اول، متونی که با عنوان «فتوت‌نامه» یا «کتاب‌الفتوه» شناخته می‌شوند و اغلب عنوان پیشه‌های مختلف را به دنبال می‌کشند؛ مهم‌ترین این متون که تا به حال منتشر شده‌اند، عبارتند از *رسایل جوانمردان* (شامل هفت فتوت‌نامه از شهاب‌الدین سهروردی، عبدالرزاق کاشانی، شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، نجم‌الدین زرکوب، درویش علی کهکری و فتوت‌نامه چیت‌سازان از مؤلفی نامعلوم) تصحیح مرتضی صراف، «فتوت‌نامه سقایان» چاپ ایرج افشار در *نامواره دکتر محمود افشار* (۱۳۷۲)، «سه فتوت‌نامه» چاپ مهران افشاری در همان جا و *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف* به تصحیح مهران افشاری و مهدی مدائنی؛ در بیشتر این متون - که البته اغلب آن‌ها چندان هم مطول نیستند - در فصول ابتدایی به اثبات و تقریر اصل فتوت، سرمنشاء آن - که در خصوص پیشه‌های مختلف غالباً به پیامبران مختلف می‌رسد - اصناف آن، آداب و اصول آن و فضایل مورد پسند پیشه‌های مختلف پرداخته شده است. برخی متون هم که به پیشه‌ای خاص نپرداخته‌اند، غالباً با تفصیل بیشتر، پیرامون خود فتوت داد سخن داده‌اند، مانند *کتاب‌الفتوة سلمی* (نک: شفیعی کدکنی ۱۳۸۶: فصل ۲۳) که فتوتی بسیار صوفیانه را معرفی

می‌کند، *تحفه‌الوصایا* از احمد بن الیاس النقاش الخرتبرتی (چاپ عکسی در مجله دانشکده اقتصاد ترکیه<sup>۱</sup>)، *کتاب‌الفتوة* ابن‌المعمار و *فتوت‌نامه* سلطانی ملاحسین واعظ کاشفی.

اما متون تحقیقی معاصر را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: اول، آثاری که به طور مستقل درباره فتوت نوشته شده‌اند و بیشتر در پی معرفی فتوت، تاریخ و تحولات آن بوده‌اند، مانند *فتوت در کشورهای اسلامی* عبدالباقی گولپینارلی و *آیین جوانمردی* هانری کربن، *فتوت‌نامه*، *آیین*، *آداب و رسوم محمد ریاض و رساله ملامتیه*، *صوفیه و فتوت ابوالعلای عقیفی و دوم*، آثاری که اغلب به عنوان مقدمه بر فتوت‌نامه‌ها نوشته شده‌اند و علاوه بر معرفی متن مورد نظر دارای کلیات سودمندی درباره فتوت و اصول آن نیز هستند؛ از این میان می‌توان به مقدمه مصطفی جواد بر *کتاب‌الفتوة* ابن‌المعمار، مقدمه محمدجعفر محجوب بر *فتوت‌نامه سلطانی و مقدمه* مهران افشاری و مهدی مدائنی بر *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف* اشاره کرد. محققانی هم که پژوهش در خصوص تصوف را وجهه اصلی تحقیقاتشان قرار داده‌اند، اغلب در آثار خود فصولی را به فتوت اختصاص داده‌اند و به برجسته‌سازی پیوستگی‌های تصوف و فتوت و سیر تحولات این دو پرداخته‌اند؛ از این میان باید به *قلندریه در تاریخ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و آثار مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب* اشاره کرد، به ویژه بخشی از کتاب *جستجو در تصوف ایران* (فصل ۱۴) که به اهل ملامت و فتیان می‌پردازد.

در خصوص فتوت، مقالات متعددی نیز منتشر شده، از جمله مقالاتی از فرانتس تشنر که - علاوه بر *تصحیح فتوت‌نامه ناصری* - به تاریخ تحولات فتوت نیز توجه داشته و مقالاتی در این باره نگاشته است (نک: ادامه همین مقاله).

از میان آثاری که تا این جا به آن‌ها اشاره شد، مرحوم دکتر زرین‌کوب بیش از دیگران به نقش پیشه‌وری در فتوت و ارتباط فتیان با طبقات اصناف پرداخته و سرخ‌های سودمندی از ریشه‌های ایرانی آن به دست داده است.

ما در این مقاله می‌کوشیم به شیوه‌ای منسجم، ارتباط فتوت را در شکل دادن مدنیت در کانون توجه قرار دهیم و نقش جوانمردان را از آن جهت که در حیات اجتماعی و به

ویژه آنچه در این نوشتار تحت عنوان «حیات مدنی» بدان پرداخته می‌شود، مورد بررسی قرار دهیم.

فتوت علاوه بر درهم‌تنیدگی‌هایی که با تصوف دارد، چنان با طبقات عام جامعه در هم آمیخته است، که می‌توان همین درهم‌آمیختگی را یکی از موارد افتراق یا وجه ممیز آن از تصوف به شمار آورد. ارتباط استوار فتوت با طبقه پیشه‌ور، از دستمایه‌های اساسی طرح چنین ادعایی است. ارتباطی که پیش از این، موجب سازماندهی زندگی شهری در تمدن اسلامی بوده است و گرچه امروز هم می‌توان نشانه‌هایی از آن را در باقی‌مانده‌های بافت سنتی پیشه‌وری سراغ گرفت، اما با از میان رفتن ساختار سنتی کسب در یکی دو قرن اخیر، نمی‌توان برای تحقیق پیرامون آن، تنها به همین اندک نمونه‌های باقی‌مانده اکتفا کرد. آنچه امروزه در کوچه و بازار و تیم و تمیچه، درباره لوتی و داش و پهلوان و جوانمرد می‌شنویم، یا کلماتی از عالم مرام و معرفت که در سخن گفتن روزمره بدان‌ها متکلم می‌شویم، همه یادگار مردمی است که این صفات را نه به دعوی، که به معنی در خود داشته‌اند و گرچه امروزه لوتی‌پیشگی در ذهن‌ها با داستان‌هایی از عالم جاهل‌بازی آمیخته است، اما جوانمردی، همچنان صفتی برازنده و کمیاب به شمار می‌رود که هر که بدان متصف باشد، البته مورد احترام خواهد بود.

### فتوت و فتیان

نویسنده *قابوس‌نامه* در قرن پنجم، در مفصل‌ترین باب کتاب خود، اصول فتوت را چنین برشمرده است: «اصل فتوت سه چیز است: یکی آن که هر چه گویی، بکنی و دیگر آن که خلاف راستی نگویی، سوم آن که شکیب را کار بندی» (عنصرالمعالی ۱۳۷۸: ۲۴۶).

بی‌شک هر آنچه در فتوت‌نامه‌ها درباره اصول و مفاهیم بنیادین فتوت گفته شده، نسبتی غیر قابل انکار با تصوف دارد<sup>۲</sup>، اما فتوت نیز مانند تصوف حیات پیچیده‌ای را از سر گذرانده و در میان طیف‌های گوناگون، تعاریف گوناگونی به خود گرفته است. معنای قاموسی واژگانی که در معنای اصطلاحی خود به پیروان فتوت اشاره دارند، خود نمایانگر

این طیف‌های معنایی گوناگون است. <sup>۳</sup> فتی، عیار، سالوک، جوانمرد، پهلوان، اخی و رفیق... از جمله این واژگان هستند.

واژه «عیار» در طول تاریخ، معانی چندگانه‌ای را حمل کرده است، از ولگرد و چالاک و تردست و محیل گرفته تا جوانمرد و فتی و البته علت، آن است که گروه پرشماری از جوانمردان به این صفات شناخته می‌شدند. عیاران به راه‌داری در کوه‌ها و بیابان‌ها و دزدی از توانگران و بخشش به درماندگان مشهور بوده‌اند (نک: دهستانی ۱۳۶۰: ۷۸۱-۷۸۶).

در زبان فارسی، واژه «سالوک» نیز به معنی عیار و دزد و راه‌زن به کار رفته است. «صعلوک» نیز که معرب آن است، در زبان عربی هم به معنی دزد و راه‌زن است و هم به معنی تنگ‌دست و فقیر. در فرهنگ عرب، سالوکان مردمی تنگ‌دست و بیابان‌گرد و اغلب از غریبان و مهاجران و طردشدگان از قبایل بوده‌اند (ذکاوته قراگوزلو ۱۳۷۳: ۳۳-۳۴) و دزدیدن از اغنیا و بخشیدن به ضعفا از جمله کارهای ایشان بوده است <sup>۴</sup> (حاکمی ۱۳۴۶: ۶۲۷)؛ جالب آن است که یکی از شاعران نامدار عصر جاهلی، عروة بن ورد عبسی، شعری درباره سالوک بد و سالوک نیک سروده است (ذکاوته قراگوزلو ۱۳۷۳: ۳۸) و این نشان می‌دهد که در میان عیاران نیز می‌توان عیار خوب و بد سراغ گرفت.

**پهلوانان** نیز از دیگر اعضا یا به عبارتی از انشعابات این گروه بزرگ بوده‌اند. وجه تمایز این گروه از دیگر گروه‌های جوانمردی، زورآوری و تبحر ایشان در برخی ورزش‌ها و فنون رزمی مانند کشتی‌گیری، نیزه‌بازی و تیراندازی بوده است <sup>۵</sup> (نک: کاشفی سبزواری ۱۳۵۰: ۳۰۶-۳۳۰). پهلوانان را **یتیم** نیز می‌نامیده‌اند، ظاهراً این واژه در میان آنان معنایی مانند مفهوم نوچه داشته است (افشاری و مدائنی ۱۳۸۱: ۲۵).

واژه‌ای ترکی هم هست که هنوز در تعبیر امروزی بزن بهادر نشان جنگاوری دارد: **بهادر**؛ این واژه، بیشتر به پهلوانان ترک و تاتار اطلاق شده است (برای نمونه نک: حسین کرد شبستری ۱۳۴۴: ۸۳، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۷۴).

بسامد این واژه‌ها در متون مربوط به فتوت و جوانمردی بسیار است. اما این فتیان یا عیاران یا جوانمردان در تقسیمات کوچک‌تر و البته در مرزبندی‌های نه چندان مشخص، به صفات دیگری هم شناخته می‌شوند و رسوم دیگری نیز به آن‌ها منسوب می‌شود.

### پیشینه فتوت

اشاره به گروه عیاران که در فرهنگ عرب جاهلی نیز وجود داشته‌اند، شاید این معنی را متبادر سازد که اساساً منشاء گروهی این چنین را با توجه به شیوه زندگی اعراب، باید در میان این قوم سراغ گرفت. با این حال گرچه شواهدی در این باره وجود دارد، اما به دو دلیل عمده بررسی این مقوله، جای چندان‌ی در این بحث ندارد. نخستین دلیل آن است که حتی اگر بپذیریم سرچشمه‌های ابتدایی پیدایش چنین طریقتی را باید در میان عرب جاهلی جستجو کرد، با این حال تکامل فکری و اجتماعی این گروه، ارتباطی با زندگی اعراب جاهلی نداشته است<sup>۴</sup>، این تکامل اجتماعی در واقع در سرزمین‌هایی صورت گرفته است که توسط اعراب تسخیر شدند (تیشتر ۱۳۳۵: ۸۰). در میان اعراب قدیم دو فضیلت بیش از همه نشانه فتوت به شمار می‌رفته است: یکی مهمان‌نوازی و سخاوت و دیگری شجاعت<sup>۵</sup> (تیشتر ۱۳۲۵: ۱۳۳؛ کاشفی سبزواری ۱۳۵۰: هشت) که به روشنی نشان‌دهنده تأثیر شرایط اقلیمی و شیوه زندگی عرب جاهلی است (عفیفی ۱۳۷۶: ۴۵). نمونه تمام عیار جوانمرد عرب را می‌توان در سیمای حاتم طایی دید، تا جایی که گاه داستان‌هایی که درباره جوانمردی او نقل می‌شود، رنگ افسانه به خود گرفته‌اند.

نکته دیگر آن است که همان‌گونه که در بررسی ریشه‌های تصوف، محققان به فرهنگ پیش از اسلام ایران نیز می‌پردازند، درباره فتوت نیز می‌توان چنین نشانه‌هایی یافت. به طور مثال چنان که پیش از این اشاره شد، یکی از شهرت‌های عیاران، دزدیدن از توانگران و بخشیدن به فقرا بوده است. در تفسیر پهلوی ویدوداد، در توصیف گروهی از مخالفان نظام مزدیسنی، به کسانی پرداخته شده است که دزدیدن از اغنیا و بخشیدن به درویشان را کرفه (ثواب) می‌دانسته‌اند (شکی ۱۳۷۲: ۲۹). اگر به تشکیلات درون‌گروهی و تقسیمات خاص

فتوت در مراحل بعدی نیز نظر داشته باشیم، نوعی تقسیم‌بندی دقیق‌تر وجود دارد که منطبق بر کاست‌های زرتشتی است و گروه‌های مختلف جوانمردان را در تطبیق با این نظام طبقاتی به این ترتیب معرفی می‌کند: اسواران موسوم به ارتشتاران که حق سوار شدن بر اسب را داشته‌اند، جوانمردان بوده‌اند؛ دهقانان و پیشه‌وران هم که نمی‌توانسته‌اند بر اسب سوار شوند، اما لباس مخصوصی داشته‌اند، عیاری پیشه کرده‌اند (بهار، محمدتقی ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۱۲). ورزش پهلوانی یا زورخانه‌ای نیز ورزش همین پیادگان بوده است (همان: ۱۱۶-۱۱۸).

شاید بتوان تقسیم‌بندی نجم‌الدین زرکوب از اهل فتوت را تا حدی با این تقسیم‌بندی مرتبط دانست؛ او اهل فتوت را به سه گروه تقسیم می‌کند: سیفی، قولی و شربی. به گفته او سیفیان در آیین تشرف به فتوت، میان‌بندی از دوال بر میان می‌بسته‌اند که ظاهراً باید عیاران سپاهی بوده باشند؛ قولیان میان‌بندی از کرباس یا کتان - که پیشه‌وران و اهل بازاری و همچون مردم عادی لباس می‌پوشند و شربیان که میان‌بندی از صوف داشته‌اند، صوفی بوده‌اند (زرکوب ۱۳۵۲: ۱۸۷؛ ۱۹۱).

حال اگر بخشی از آداب فتیان پس از اسلام را در مورد لباس پوشیدن مورد مذاقه قرار دهیم، به نکته جالبی می‌رسیم؛ یکی از آیین‌های ورود به دسته‌های عیاران، بستن پیش‌بندی به کمر داوطلب بوده است. وی همچنین باید لباس مخصوصی به نام «لباس الفتوة» را که قسمت عمده‌اش از یک سراویل تشکیل می‌شده، می‌پوشیده است (تیشتر ۱۳۸۵: ۱۳۶-۱۳۷). در این جا باید توجه داشت که پوشیدن شلوار مخصوص آن دسته از اقوام آسیایی بوده که سوارکاری از سنن ایشان به شمار می‌رفته است. می‌دانیم که پوشیدن شلوار در ایران دست کم از دوره فرمان‌روایی هخامنشیان متداول بوده است. اشاره به ارتباط میان «شد» اهل فتوت با «کستی» در لباس زرتشتیان که آن را بند دین می‌خواندند، از دیگر موارد شباهت در این زمینه محسوب می‌شود (گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۱۱).

برخی نیز فتیان را از نظر تشکیلات صنفی و اتحادیه‌ها و انجمن‌ها، با تشکیلات صنفی شهر مدائن، پایتخت ساسانیان، مرتبط دانسته‌اند، به ویژه آن که سلمان فارسی، شخصی که سلسله روات فتیان بدو ختم می‌شود، رابطه خاصی با مدائن داشته و مدفن او در این شهر

با نام «سلمان پاک»، از زیارتگاه‌های مورد توجه شیعیان است<sup>۸</sup> (تیشتر ۱۳۸۵: ۱۳۸؛ زرین‌کوب ۱۳۸۵: ۱۹۸).

با این وجود می‌توان از دوره ساسانیان نیز فراتر رفت. به عنوان مثال در بررسی تاریخی سمک عیار به عنوان کهن‌ترین داستان جوانمردی، می‌توان نشانه‌هایی از دوران اشکانی یافت. اشکانیان که یکی از مروجان اصلی آیین مهری در دوره خود بوده‌اند، توانستند گستره جغرافیایی این آیین را به روم نیز بسط دهند. بنا به برخی روایات تاریخی، دین مهر توسط دزدان دریایی آسیای صغیر به روم راه یافته است و این به طور ناخودآگاه تداعی‌کننده «دزدان و ناداشتان» است (بهار، مهرداد ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۴).

کاشفی در فتوت‌نامه سلطانی به دسته‌ای از رؤسای فتیان به نام پدرعهد اشاره می‌کند که متولی امور مربوط به خواندن عهدنامه و قسم بوده‌اند (کاشفی سبزواری ۱۳۵۰: ۹۴؛ غنی ۱۳۸۵: ۱۲۲)؛ حال اگر پای‌بندی به قول و شرف در معاملات را که پشتوانه اخلاقی فعالیت‌های بازرگانی در شهرهاست، یکی از مبانی اخلاقی فتوت به شمار آوریم و به اهمیت عهد و سوگند و در آیین مهری نیز توجه کنیم، می‌توان میان این دو ارتباطی قائل شد. حتی برخی میان آیین‌های پهلوانی و زورخانه‌ای با آیین مهری ارتباط قائل شده‌اند (افشاری ۱۳۸۴: ۳۷)<sup>۹</sup>.

اما بحث اصلی این نوشتار، درباره فتوت پس از اسلام است؛ تقریباً همه فتوت‌نامه‌هایی که در باب اصول فتوت نگاشته شده‌اند، منشأ اخذ فتوت را به علی (ع) منسوب داشته‌اند و در این باب نیز داستانی نقل کرده‌اند که آداب تشریف اعم از نوشیدن قدح و لبس ازار و بستن میان را در برمی‌گیرد. به موجب این روایت، پیغمبر (ص) علی (ع) را فتی خواند و او را رفیق<sup>۱۰</sup> خویش نامید و آداب تشریف را در حق او به جای آورد و سپس سلمان با علی (ع) رفیق شد (کاشی: ۱۲-۱۳؛ نیز نک: سه‌روردی ۱۳۵۲: ۱۰۸؛ آملی ۱۳۵۲: ۷۲). به هر حال سند سلسله فتوت به علی (ع) می‌رسد و منظور از فتی به طور اطلاق، امیرالمؤمنین است. صوفیه نیز به علی (ع) ارادت بسیار داشته‌اند، اما با توجه به تحولاتی از قبیل تشکیل اصناف و انجمن‌ها که فتوت در طول سال‌ها با آن روبرو شد، شاید قرار گرفتن علی (ع) در رأس مراتب اهل فتوت تا حدی به آن دلیل باشد که در جامعه عربی مدینه و عراق، او اولین کسی



بود که در باب موالی که در آن دوران طبقات پیشه‌وران به آن‌ها منسوب بودند، توجه و همدردی نشان داد (زرین‌کوب ۱۳۸۵: ۱۹۸). با این حال، حیات ابتدایی فتیان، بیش از آن که معطوف به کسب و پیشه‌وری شود، به جنگاوری و سپاهی‌گری تمایل داشته است. البته باید خاطر نشان کرد، گرچه هر کدام از این دو تمایل بسته به اوضاع روزگار، شدت و ضعف‌هایی داشته‌اند، اما در هیچ دوره تاریخی کاملاً از میان نرفته‌اند یا به دست فراموشی سپرده نشده‌اند. به طور مثال مؤلف *قابوس‌نامه* گرچه به وجود دو نوع جوانمرد سپاهی و بازاری اذعان دارد، اما برای هر دو گروه تقریباً صفات یکسانی را برشمرده است (نک: عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۲۴۶-۱۴۹).

### فتیان و جنگاوری

نمونه‌های قابل قبول این تمایل به سپاهی‌گری را می‌توان در تأثیر جوانمردان و عیاران بر تاریخ سیاسی ایران مشاهده کرد. از اولین عیاران ایرانی که در سیاست دخالت داشت، ابومسلم خراسانی است که در نتیجه مبارزاتش، خلافت بنی‌امیه سرنگون شد و عباسیان بر سر کار آمدند (نک: حاکمی ۱۳۸۲: ۶۸-۷۱). شخص دیگری که در سیستان حکومت مستقلی تأسیس کرد و به جوانمردی نیز منتسب بود، یعقوب لیث صفاری (م. ۲۵۶ ق) است<sup>۱۱</sup> (نک: همان: ۷۲-۹۳؛ افشاری ۱۳۸۴: ۱۹).

در اواخر دوره عباسیان، خلفا برای تقویت خلافت خود، سعی در به دست آوردن ریاست اهل فتوت داشتند، زیرا تشکیلات اصناف در میان طبقات مردم، بخش بزرگی را در دست داشتند و بسیار قدرتمند بودند. البته پیش از آن در دورانی که عباسیان به ضعف گراییده بودند، عیاران بغداد، حامی مظلومان بودند، گرچه خود نیز چندین بار به مردم هجوم آورده بودند و موجب ایجاد ناامنی شده بودند (ریاض ۱۳۸۲: ۷۵). در این میان الناصر لدین الله که مذهب امامیه را نیز پذیرفته بود، در سال ۵۷۸ ق به دست شیخ مالک بن عبدالجبار (م. ۵۸۳ ق) خرقه فتوت پوشید و نظام فتوت ناصری را تأسیس کرد و کوشید سایر نظام‌های موجود فتوت را منحل کند. به همین نیت برای آن گروه از عیاران و شطاران که به قتل و

غارت می‌پرداختند، مجازات‌های سنگین در نظر گرفت (همان: ۷۵-۷۶). به این ترتیب او توانست با پیوستن به فتوت، جوانمردان را به رایگان در خدمت استحکام پایه‌های دولت عباسی بگیرد<sup>۱۲</sup> (تشنر ۱۳۴۷: ۶۳۶؛ محجوب ۱۳۸۵: ۱۷۹-۱۸۰).

در سال ۶۵۶ ق هلاکوخان بساط حکومت عباسی را برچید و تشکیلات فتوت ناصری نیز از میان رفت، ولی خلفای فاطمی مصر دوباره به ترویج و توسعه آن پرداختند، چنان که تا قرن بعد نیز می‌توان در پای فعالیت‌های فتیان عرب مصر را در فتوت‌نامه‌ها پی گرفت (ریاض ۱۳۸۲: ۹۰).

درویشان سربدار خراسان نیز که علیه مظالم عمال تیمور قیام کردند و حکومت خود را در آن ناحیه تأسیس کردند، از جوانمردان بوده‌اند (همان: ۷۷-۷۸؛ افشاری و مدائنی ۱۳۸۱: ۳۱). کمی پس از آن در شیراز دسته‌ای تحت عنوان **کلوها** که پیش‌کسوتی و فرماندهی اصناف پیشه‌ور را در اختیار داشتند، در انتقال حکومت شیراز از شاه شیخ ابواسحاق اینجو به امیر مبارزالدین محمد مظفری تأثیر بسیار داشتند (زرین‌کوب ۱۳۷۷: ۳-۶، ۲۹).

شاه اسماعیل صفوی، مؤسس سلسله صفویه، در اشعار خود **اخیان** را مؤمنان و غازیان و ابدلان می‌خواند، زیرا در تشکیلات قشونی او فتیان اصنافی بسیار بوده‌اند (ریاض ۱۳۸۲: ۱۱۵). گرچه ظاهراً همین فتیان که در زوال صفویه، به شدت قدرت یافته بودند و ضمناً از مسیر اصلی فتوت منحرف شده بودند، خود از علل سرنگونی حکومت بودند، چنان که به طور مثال در رستم/تواریخ به نام بیش از یک صد پهلوان در دوران شاه سلطان حسین صفوی (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) برمی‌خوریم که هر گونه تجاوز و تعدی را برای خود جایز می‌شمردند، به شبروی و دزدی می‌پرداختند و در ملأ عام به اعمال منافی عفت مبادرت می‌کردند<sup>۱۳</sup> (نک: رستم‌الحکما ۱۳۴۸: ۱۰۴-۱۰۶). در داستان‌های عامیانه عهد صفوی نیز درباره عیاری و شبروی و دزدی‌های پهلوانان توصیفات بسیاری موجود است (نک: حسین کرد شبستری ۱۳۴۴: ۷۶-۷۷، ۱۳۱-۱۳۳، ۱۵۱-۱۵۴، ۱۱۹، ۱۶۰، ۱۵۷، ۱۲۲؛ ارجانی ۱۳۶۳: ج ۲، ۳۹۰، ۵۰۰، ۵۰۵).

صرف نظر از انحرافات این چنین، فتوت همواره میان جنگاوری و سپاهی‌گری و کسب و پیشه‌وری معلق بوده است. در طول تاریخ، هر گاه یکی از این طبقات برجسته‌تر شده‌اند،

مردم هم نسبت به آنها اقبال بیشتری نشان داده‌اند، مثلاً وقتی عیاران روی کار می‌آمدند، سپاهی‌گری و پهلوانی رواج می‌یافت و هر گاه جامعه از ثبات و آرامش و امنیت برخوردار بود، پیشه‌وری رونق می‌گرفت و آداب و تشریفات مجلسی فتوت رایج می‌شد (محبوب ۱۳۸۵: ۱۷۹).

### پیشه‌وری، وجه ممیز فتوت و تصوف

در باب تمایل دیگر فتیان، یعنی توجه ایشان به پیشه‌وری، ناگزیر باید بار دیگر به ارتباط میان فتوت و تصوف بازگردیم.

در متون متصوفه، همواره می‌توان رگه‌هایی از فتوت سراغ گرفت؛ چه متونی که به تبیین وجوه نظری تصوف پرداخته‌اند و چه متونی که وجه غالبشان، شرح احوالات صوفیان بوده است. به عنوان نمونه در کشف‌المحجوب هجویری که یکی از مهم‌ترین متون متصوفه به شمار می‌رود، در شرح احوال و ابتدای کار فضیل عیاض، چنین آمده است: «از جمله صعالیک قوم بود و از کبار ایشان... و اندر ابتدا وی عیاری بود و راه داشتی میان مرو و باورد، و همه میل به صلاح داشتی و پیوسته همتی و فتوتی اندر طبع وی بودی؛ چنان که اگر اندر قافله، زنی بودی گرد آن نگشتی، و کسی را که سرمایه اندک بودی کالای وی نستدی و با هر کسی به قدر سرمایه وی چیزی بماندی...» (هجویری ۱۳۸۴: ۱۴۹). هجویری در شرح احوال فیروز کرخی که او را «معروف به فتوت» معرفی می‌کند (همو، ۱۷۳)، از زبان او به نشانه‌های جوانمردان چنین اشاره می‌کند: «علامت جوانمردان، سه چیز بود: یکی وفایی بی‌خلاف<sup>۱۴</sup>، و دیگر ستایشی بی‌جود و سدیگر عطایی بی‌سؤال» (همان).

علاوه بر این در میان صوفیان سرشناس، عده‌ای هم به کسب و صنعتگری اشتغال داشته‌اند؛ آبکشی (بایزید بسطامی)، دست‌فروشی (سری سقطی)، آهنگری (ابوحفص حداد)، گازی (حمدون قصار)، کتاب‌فروشی (ابوبکر وراق)، خرازی (ابوسعید خرازی)، بافندگی (خیر نساج)، قصابی (ابوالعباس آملی) و بزازی (ابوحمزه بغدادی) از مشاغلی است که به عده‌ای از مشاهیر صوفیان منتسب داشته‌اند (نک: زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۳). با این حال همواره

تعالیم صوفیانه‌ای هم بوده‌اند که به نوعی فردگرایی، انزوا و دوری از جماعات گرایش داشته‌اند، یا دست کم اختلاط با جماعت را تا حدی مخل تجربه‌های ناب عرفانی قلمداد کرده‌اند.<sup>۱۵</sup>

همچنین آن عده از متصوفه که دوستدار فتوت بوده‌اند و درباره آن اظهار نظر کرده‌اند، درباره مقام فتوت نظریات مختلفی اظهار داشته‌اند<sup>۱۶</sup>؛ به طور مثال شهاب‌الدین سهروردی که خود نیز به فتوت منسوب است، در رساله‌ای موسوم به *ادالّة العیان علی البرهان*، فتوت را شاخه‌ای از تصوف معرفی می‌کند و بدین ترتیب تصوف را از فتوت و صوفیان را از فتیان برتر می‌شمارد (گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۶؛ نیز نک: کاشفی سبزواری ۱۳۵۰: ۵۰). بسیاری از آداب تصوف نیز که می‌توان در آیین فتوت برایشان نظایری یافت، ایده پیوستگی هرچه بیشتر تصوف و فتوت را تقویت می‌کنند؛ چنان که «خرقه بخشیدن» در تصوف و «شلوار یا ازار بخشیدن» در فتوت را یکی از نقاط تلاقی این دو طریقه برشمرده‌اند (شفیعی کدکنی ۱۳۸۶: ۱۸۴).

با این حال از میان فرق مختلف متصوفه، گروهی که بیش از دیگران با فتیان شباهت دارند، **ملامتیه** بوده‌اند.

متصوفه چنان که به بسیاری از مفاهیم دینی، عمق و غنای بیشتر بخشیدند، به فتوت نیز مفهوم جدیدی افزودند و آن ایثار بود؛ ایثار به معنای آن حال و وضع اخلاقی که شخص دیگران را بر خود ترجیح دهد، بخصوص اگر پای ضعفا در میان باشد، با این حال باید توجه داشت که اهل فتوت، اهمیت خاصی برای دنیا قائلند و کسب حلال و بهره‌مند بودن از صنعت از شروط عمده فتوت به شمار می‌رود. این یکی از تفاوت‌های ساختاری تعلیمات گروه‌های مختلف متصوفه با فتیان است. در حالی که بیشتر طریقت‌ها پیروان خود را به دوری از دنیا سفارش می‌کنند، فتوت سالک خود را به جلب سودهای دنیوی سوق می‌دهد، البته نیت در جلب این منافع، یاری به اخوان است و نه نفع شخصی؛ چنان که در کنار تشویق برای کسب حلال، اعتقاد به قناعت در میان اهل فتوت، یک اصل به شمار می‌رفته است، تا جایی که برای اخوت این شرط را قائل شده‌اند که *اخی نباید بیش از ده درهم داشته باشد* (گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۱۹). قشیری در این باب می‌گوید: «بدان که اصل فتوت آن بود

که بنده، دائم در کار غیر خویش مشغول بود» و در ادامه می‌افزاید: «پیغامبر گفت صلی الله علیه و سلم که همیشه خداوند عزّ و جلّ در روایی حاجت بنده بود تا بنده در حاجت برادر مسلمان بود» (قشیری، ۱۳۸۳: ۳۵۵). البته مبالغه در مفهوم ایثار از سوی متصوفه، راه را برای پیروان فرقه‌ای به نام ملامتیه هموار ساخت<sup>۱۷</sup>، فرقه‌ای که فتیان با آن بیش از دیگر فرق متصوفه ارتباط برقرار کردند (تیشتر ۱۳۸۵: ۱۳۴). سلمی، از اولین کسانی که درباره ملامتیه سخن گفته است، در شرح صفات ملامتیان به شرح صفات فتوت نیز می‌پردازد، چرا که به زعم او پایه‌گذاران اولیه مذهب ملامتی، ملامت را نوعی از فتوت و مردانگی می‌دانستند و از این رو خود را **فتیان و رجال** می‌خواندند (عفیفی ۱۳۷۶: ۴۸-۴۹). یکی از ویژگی‌های بارز ملامتیه، ستیز با تعالیم ظاهری تصوف و بازگشت به زهد و پارسایی صدر اسلام و دوری از کثرت دعوی است؛ فتیان نیز به اصولی معتقد بودند که چندان با این معانی بیگانه نیست؛ اصولی از قبیل اشتغال به عیوب خویش از عیوب مردم، حسن ظن به خلق و حفظ حرمت ایشان، مراعات باطن بیش از ظاهر، مراعات احوال و انفاس و اوقات، نرمی با ضعفا و غلظت و درشتی با گردن‌کشان (غنی ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۶).

آنچه در سال‌های بعد آفت فتوت شناخته شد، این بود: «معظم آفات فتوت دعوی است و نظر نفس بر فضیلت خویش جهت تبعیت هوی» (کاشی ۱۳۵۱: ۴۹) و «از کلیات آفات مفاخرت و مباهات است و آن به دعوی نزدیک باشد، لکن کمتر و ضعیف‌تر از آن بود و منشأش ظهور نفس است به صفت جهل والا یقین دانستی که هر نفس مخصوص است به خاصیتی که که هیچ کس در آن خاصیت با او شرکت ندارد و آن محل نظر الهی است در وجود او که اگر آن خاصیت نبودی، آن شخص به وجود نیامدی و به استحضار این معنی مفاخرت و مباهات بر دیگران محال باشد و نفس در خود شکسته و ذلیل و کوچک و حقیر گردد، چه هیچ کس را نیابد که او را بر وجهی بر خود مقدم نداند» (همان: ۵۲). علاوه بر این ملامتیان نیز مانند اهل بازار می‌زیستند و روزی خود را با پیشه‌وری کسب می‌کردند (افشاری ۱۳۸۲: شصت و چهار)، چنان که اخیان نیز در شهرها سکونت داشتند و از راه صنعتگری و کسب و کار در بازار امرار معاش می‌کردند.

در این جا لازم است اشاره کنیم، تعاریفی که در باب ملامتیه، به بی‌توجهی ایشان به ظواهر و «بی‌رنگی» ایشان تأکید می‌کند، بیشتر در مورد اولین ملامتیان صادق است، چه در دوره‌های بعد ایشان نیز ظاهری یافتند که خود نشانه‌ی تعلق آنان به ملامتیه بود و راه و رسم و آداب و سننی پیدا کردند؛ تا جایی که در روزگار از پس از حمله مغول، قلندریه که وارث سنت‌های ملامتیه محسوب می‌شدند، دارای تشریفات بی‌شماری بودند که برای هر عنصری از عناصر آن، پیشینه‌ای از روزگار حضرت آدم (ع) تا پیغمبر خاتم (ص) و یاران و اصحاب او تعریف می‌شد (شفیعی کدکنی ۱۳۸۶: ۸۳). اما قدر مسلم آن است که ملامتیه در ابتدا طغیان‌ی در برابر ظاهرسازی متصوفه بود با دعوی بی‌توجهی به ظاهر.

فتیان نیز مانند متصوفه، دارای رسوم خاص و تشکیلات درون‌گروهی ویژه‌ای بوده‌اند. فتیان دارای کمربندی خاص به نام شد و شلواری به نام سراویل بوده‌اند<sup>۱۸</sup> (افشاری و مدائنی ۱۳۸۱: ۱۱). آن گروه از جوانمردان که در شهرها سکونت داشته‌اند، در مراکزی خاص به نام لنگر و آستانه تجمع می‌کردند (همان: ۱۹). در تعریف آستانه آمده است: «آستانه باید چهار طرفه باشد، یعنی به بنای دیگر نباید متصل باشد. باید درون محوطه‌ای قرار گیرد. در و دیوارهای آن باید به شکل پسندیده‌ای ساخته شده باشد. برای آن که روشن باشد، باید دیوارهای آن سفید باشد. زاویه را باید تمیز نگه داشت... اما بر در اخی پرده آویخته نمی‌شود، زیرا که این نشانه سروری است» (گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۱۵).

در رساله فتوتیه از *نفایس الفنون*، تألیف شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، برخی از شرایط استعداد فتوت چنین است: «اول ذکورت، چه فتوت، صفت شرف و کمال است و انوثت مستلزم نقص و اذلال... دوم بلوغ، چه به لغت مبدأ ظهور عقل و خروج قوت ملکی از قوت به فعل است... صحت بنیه و استقامت احوال صورت بر وجهی که سببی فاحش منافی فضیلت نداشته باشد، چون خنوثت و مانند آن، و به عیبی ظاهر چون برص و جذام و مانند آن مبتلا نباشد» (آملی ۱۳۵۲: ۶۹-۷۰). البته آنچه در مورد زنان گفته شده است، به طور مثال با آنچه در سمک عیار به عنوان کهن‌ترین داستان جوانمردی درباره زنان عیار می‌بینیم، چندان همخوانی ندارد. ظاهراً در آغاز برای پیوستن به حلقه‌های فتوت، منعی برای زنان

وجود نداشته و در دوره‌های بعد و به ویژه در تشکیلات عصر خلیفه الناصر است که زن بودن را مخالف با عضویت در آیین فتوت دانسته‌اند، (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۴۷). در کتاب *الفتوة* ابن المعمار که با اصول فتوت ناصری نوشته شده، اولین شرط فتوت، ذکوریت دانسته شده است (نک: ابن المعمار ۱۹۵۸: ۱۶۳).

فتیان، دارای تشکیلاتی درون‌گروهی نیز بوده‌اند. آنان هر کار جدیدی را با تصمیم عمومی عملی می‌کردند، از این رو، روزهایی را در طول سال به برگزاری جلسات عمومی اختصاص می‌دادند. همچنین در حالت‌های فوق‌العاده برای سامان دادن به وضع اصناف، جلساتی تشکیل می‌شده است<sup>۱۹</sup> (گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۲۱؛ ۱۳۲).

از نظر طبقاتی نیز عیاران و پهلوانان دوره اسلامی، غالباً از تولیدکنندگان شهری‌اند و اغلب نام صنف خود را نیز به همراه دارند. گویی فتوت یا جوانمردی، نهضتی بوده است متعلق به اصناف و پیشه‌وران شهری و در آن از سایر طبقات مانند اشراف یا روستاییان، تنها گروهی اندک‌شمار حضور داشته‌اند. بی‌نیازی از مراجع قدرت نیز که لازمه کار محترفه شهری بوده است و برخورداری از تشکیلات درون‌گروهی، خود حاکی از آن است که مفهوم فتوت با حیات شهری ارتباطی تنگاتنگ دارد. (بهار، مهرداد ۱۳۸۵: ۱۹۳؛ زرین‌کوب ۱۳۸۵: ۱۹۸).

در کهن‌ترین فتوت‌نامه‌ها هم در ذکر شرایط فتیان آمده است که اخی باید صاحب صنعتی باشد، چنان که فتیان شربی و قولی، اهل حرفه و هنر بوده‌اند. بر اساس قوانین، جوانانی که در صنفی خاص سلوک می‌کردند، تا مهارتی کسب نمی‌کردند، امکان داشتن دکانی از آن خود را نداشتند. این اجازه با مراسم بستن لنگ صورت می‌گرفت که با توجه به دشواری و دقت مورد نیاز در هر حرفه، زمانی خاصی داشت. به طور مثال این مراسم در میان جواهرسازان با توجه به دقت و ظرافت لازم در این حرفه که نیازمند تجربه‌اندوژی و صرف زمان طولانی بوده است، هر بیست سال یک بار برگزار می‌شده است<sup>۲۰</sup>.

فتوت‌نامه‌های به جا مانده از قرون گذشته را می‌توان به دو گروه عمده، تقسیم کرد: فتوت‌نامه‌هایی که به تعریف فتوت و تبیین اصول آن پرداخته‌اند، مانند *فتوت‌نامه سلطانی* که یکی از کامل‌ترین فتوت‌نامه‌های به جای مانده در باب اصول فتوت است یا *فتوت‌نامه‌هایی*

که به طور مثال از عبدالرزاق کاشانی، شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، سهروردی و نجم‌الدین زرکوب باقی‌مانده‌اند و فتوت‌نامه‌هایی که باید آن‌ها را صنفی خواند، چرا که هر کدام به صنف و پیشه‌ای منسوبند و معانی فتوت را با توجه به ملزومات و آداب پیشه خود عرضه داشته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به فتوت‌نامه‌هایی از طبّاخان، قصابان، کفش‌دوزان، سلمانیان، دلاکان، حجامان، سقایان، چیت‌سازان، شاطران، نمدمالان، خبازان، کرباس‌بافان و حمامیان اشاره کرد. نویسندگان هر کدام از این فتوت‌نامه‌ها علاوه بر آن که برای خود، پیری آیینی معرفی کرده‌اند که اول بار به پیشه مورد نظر پرداخته است، کوشیده‌اند به انواع گوناگون، آداب و لوازم رایج در حرفه خود را با آداب و لوازم جوانمردی مرتبط سازند.<sup>۲۱</sup> این فتوت‌نامه‌ها به دلیل ماهیت تعلیمی خود اغلب به صورت پرسش و پاسخ تنظیم شده‌اند. به این ترتیب رفته رفته از تمایل جوانمردان به سپاهی‌گری و عیاری کاسته شد، تا جایی که در فتوت‌نامه سلطانی که متعلق به قرن نهم هجری است، دیگر سخنی از جنگاوری و دلیری و مبارزطلبی به میان نمی‌آید و یک‌سره به رسوم و آیین‌های مربوط به صنوف پرداخته می‌شود.

علاوه بر این باید اشاره کرد که همواره مشاغلی وجود داشته‌اند که شایستگی داخل شدن به حلقه فتوت را نداشته‌اند. از این میان می‌توان به صورتگران، میمون‌بازان، خرس‌بازان، پرورش‌دهندگان سگ، دلقکان، خنیاگران و رامشگران<sup>۲۲</sup> (نک: افشاری ۱۳۸۴: ۶۴) و مأموران اخذ مالیات، فال‌گیران و ساحران و پیش‌گویان و منجمان و راه‌زنان (نک: ابن‌المعمار ۱۹۵۸: ۱۷۴) اشاره کرد

به این ترتیب به نظر می‌رسد، آیین فتوت با رسوم خویش توانست تشکیلات صنفی و صنعتی را در دوره‌های مختلف نظم و نسق دهد و درجات موجود در اصناف را حفظ کند و اسرار صنعت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. در مواقع مقتضی در تأسیس حکومت نقش داشته باشد و گاه نیز به اتکای قدرت و سازندگی‌ای که از آن برخوردار بود، در اسکان و شکل گرفتن آبادی‌ها تأثیر داشته باشد. اما این تشکیلات و نظم و سامان به تدریج از میان رفت. از دلایل این امر، یکی وارد شدن نظامیان به عرصه کار و صنعت بود، این گروه از



پرداخت مالیات معاف بودند و هیچ نظم و ترتیبی در میان خود نداشتند. در حالی که اصناف مالیات می‌پرداختند (گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۳۲-۱۳۳). اگر آسانی کار و ارزانی را هم به این عوامل بیفزاییم، دلیل فروکش کردن صنایع محلی را درمی‌یابیم، صنایعی که امروزه برخی از محصولاتشان ماهیتی عتیقه یافته‌اند. از سوی دیگر، معاشرت با اروپا در زندگی و عادات و اندیشه‌های مردم تأثیر گذاشت. این تأثیر موجب از رونق افتادن صنایعی شد که به کار با دست نیاز داشتند و به کمک تجملات دینی دوره‌های گذشته پرورده شده و توسعه یافته بودند. چنین شد که در دوران اخیر حیات فتیان، ایشان اگرچه در امکان کسب، از قبیل بازارچه‌ها حضور داشتند، اما حضورشان در اصناف شباهتی با نقش ایشان در گذشته نداشت و گاه در حد مشغول شدن به سرگرمی‌هایی از قبیل کرک‌بازی، بلبل‌بازی، سهره‌بازی، کفتربازی، قناری‌بازی، تربیت قوچ و خروس جنگی و جنگ انداختن آن‌ها در سر چهارراه‌ها و میادین عمومی و قاب‌بازی و لیس‌بازی تنزل یافته بود<sup>۳۳</sup> (مستوفی ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۰۸-۴۱۱)، تا جایی که امروزه از روش فتیان و جوانمردان، دیگر رسمی بر جای نمانده است.

گرچه در تحلیل پدیده‌های اجتماعی، هیچ‌گاه نمی‌توان علل پیدایی یا عوامل افول پدیده‌ای را تنها به یک عامل و یک علت فروکاست، اما با توجه به آنچه در صفحات بالا مطرح شد، به نظر می‌رسد میان فتوت و ساختار پیشه‌وری و اصناف، ارتباطی دوسویه وجود داشته است؛ سامان اصناف در آداب فتوت مندرج بوده، چنان‌که فتوت نیز حیات خود را مدیون همین پیشه‌وران بوده است. مقولاتی که تقریباً همزمان با هم رو به افول نهادند، با این حال نظام معاش خود را در قالبی جدید، بازتولید کرده است، چون زندگی همچنان در جریان است، گرچه امروزه جوانمردی در آن به مقوله‌ای شخصی تبدیل شده و سامان اجتماعی خود را از دست داده است.

### نتیجه

گرچه می‌توان «فتوت» را به دلیل قرابتش با تصوف و به ویژه ملامتیه، نوعی دیگری از طریقت به شمار آورد، اما نقش و تأثیر فتیان و جوانمردان در «اجتماع» و «زندگی اجتماعی»، یا به عبارت کلی‌تر «زندگی مدنی»، موجب می‌شود در حوزه زندگی شهری نیز برای فتوت اهمیتی ویژه قائل شویم. فتوت با آداب و رسوم خویش توانست با گذر از سپاهی‌گری، تشکیلات صنفی و صنعتی دوره‌های مختلف تاریخی را سامان دهد، درجات موجود در اصناف را حفظ کند و اسرار صنعت را که به ابقای طبقه پیشه‌ور شهری کمک می‌کرد، از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد، حتی به اتکای قدرت و سازندگی‌ای که از آن برخوردار بود، در اسکان و شکل گرفتن آبادی‌ها تأثیر داشته باشد. از این رو می‌توان با توجه به آثار باقی‌مانده از فتیان، چنین نتیجه گرفت که تلاش پیروان این طریقت، استفاده از آداب جوانمردی برای سازمان‌دهی زندگی شهری بوده است که از طریق پای‌بندی به تصوف شهری، امکان‌پذیر می‌شده است.

### کتاب‌نامه (فهرست منابع و مآخذ):

- آملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۵۲). «رساله فتوتیه»؛ رسایل جوانمردان، مشتمل بر هفت فتوت‌نامه. تصحیح مرتضی صراف. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و انتشارات معین.
- ابن المعمار، ابو‌عبدالله محمد بن ابی المکارم (۱۹۵۸). کتاب‌الفتوه. تصحیح مصطفی جواد. بغداد: مکتبه المثنی.
- ارجانی، فرامرز بن خداداد (۱۳۶۳). سمک عیار. تصحیح پرویز ناتل خانلری. ۵ ج. تهران: آگاه.
- افشار، ایرج (۱۳۷۲). «فتوت‌نامه سقاییان»؛ یادواره دکتر محمود افشار. گردآوری ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان. ج ۷. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- افشاری، مهران (۱۳۷۲). «سه فتوت‌نامه»؛ یادواره دکتر محمود افشار. گردآوری ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان. ج ۷. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- (۱۳۸۲): فتوت‌نامه‌ها و رسایل خاکساریه (سی رساله). ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۸۴). آیین جوانمردی. ج ۱. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- افشاری، مهران و مدائنی، مهدی (۱۳۸۱). چهارده رساله در باب فتوت و اصناف. ج ۱. تهران: نشر چشمه.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۵). «جوانمردی»؛ آیین جوانمردی. هانری کربن. ترجمه احسان نراقی. ج ۲. تهران: سخن.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۵). «سابقه جوانمردی در ایران باستان»؛ آیین جوانمردی. هانری کربن. ترجمه احسان نراقی. ج ۲. تهران: سخن.
- بی‌نام (۱۳۴۴). حسین کرد شبستری. به کوشش علی حصوری. تهران: طهوری.
- تشنر، فرانتز (۱۳۴۷). «خلیفه عباسی و آیین فتوت»؛ ترجمه مظفر بختیار. مجله وحید، سال پنجم، شماره‌های ۷ و ۹.
- تشنر، فرانتز (۱۳۸۲). «کمان‌گروه فتوت»؛ ترجمه مظفر بختیار، مجله هستی، سال چهارم (دوره دوم)، شماره ۱۳.
- تیشنر، فرانتس (۱۳۳۵). «گروه فتوت کشورهای اسلامی»؛ مجله دانشکده ادبیات، سال چهارم، شماره ۲.
- (۱۳۸۵). «فتوت در کشورهای اسلامی»؛ آیین جوانمردی. هانری کربن. ترجمه احسان نراقی. ج ۲. تهران: سخن.

- حاکمی، اسماعیل (۱۳۴۶). «بختی درباره واژه‌های سالوک و صعلوک»؛ مجله وحید، سال چهارم، ش ۷.
- (۱۳۸۲). *آیین فتوت و جوانمردی*. چ ۱. تهران: اساطیر.
- دهستانی، حسین بن احمد (۱۳۶۰). *فرج بعد از شدت*. تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ذکاوتی قراگوزلو، علی‌رضا (۱۳۷۳). «شاعران صعلوک در ادب عربی»؛ مجله *آینه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۱.
- رستم‌الحکما، محمد هاشم آصف (۱۳۴۸). *رستم‌تواریخ*. به کوشش محمد مشیری. تهران: انتشارات جیبی.
- ریاض، محمد (۱۳۸۲). *فتوت‌نامه، آیین، آداب و رسوم*. تهران: اساطیر.
- زرکوب، نجم‌الدین (۱۳۵۲). «فتوت‌نامه»؛ *رسایل جوانمردان*، مشتمل بر هفت فتوت‌نامه. تصحیح مرتضی صراف. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و انتشارات معین.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). *از کوچۀ زندان*. چ ۸. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۷۹). *جستجو در تصوف ایران*. چ ۶. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۸۳). *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن*. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.
- (۱۳۸۵). «اهل ملامت و فتیان»؛ *آیین جوانمردی*. هانری کرین. ترجمه احسان نراقی. چ ۲. تهران: سخن.
- سهروردی، شهاب‌الدین عمر (۱۳۵۲). «فتوت‌نامه»؛ *رسایل جوانمردان*، مشتمل بر هفت فتوت‌نامه. تصحیح مرتضی صراف. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و انتشارات معین.
- شفیعی کدکنی (۱۳۸۶). *قلندریه در تاریخ، دگرسانی‌های یک ایدئولوژی*. تهران: سخن.
- شکی، منصور (۱۳۷۲). «درست‌دینان»؛ مجله معارف، دوره دهم، شماره ۱.
- صراف، مرتضی (۱۳۵۲). *رسایل جوانمردان*، مشتمل بر هفت فتوت‌نامه. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و انتشارات معین.
- عفیفی، ابوالعلاء (۱۳۷۶). *رساله ملامتیه، صوفیه و فتوت*. ترجمه نصرت‌الله فروهر. تهران: الهام.
- علاف فتحی، رسول (۱۳۴۶). «سالوکان یا صعالیک»؛ مجله وحید، سال چهارم، شماره ۸.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۸). *قابوس‌نامه*. تصحیح غلامحسین یوسفی. چ ۹. تهران: علمی و فرهنگی.

- غنی، قاسم (۱۳۸۵). «خصایص فتیان»؛ آیین جوانمردی. هانری کربن. ترجمه هانری کربن. چ ۲. تهران: سخن.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۳). رساله قشیریہ. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چ ۸. تهران: علمی و فرهنگی.
- کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۰). فتوت نامه سلطانی. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کاشی، معصوم بن عبدالله (۱۳۵۱). تحفه الاخوان. تصحیح محمد دامادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کربن، هانری (۱۳۸۵). آیین جوانمردی. ترجمه احسان نراقی. چ ۲. تهران: سخن.
- کی منش، عباس «پیوند تصوف با فتوت»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱۵۰.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۸). فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن. ترجمه توفیق ه. سبحانی. تهران: روزنه.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۵). «سیری در تاریخ فتوت»؛ آیین جوانمردی. هانری کربن. ترجمه احسان نراقی. چ ۲. تهران: سخن.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۷۷). شرح زندگانی من. ۳ ج. تهران: زوار.

۱. مشخصات این نشریه از این قرار است (به نقل از شفيعی کدکنی ۱۳۸۶: ۱۶۴):

**Iktisat Fakultas Meccmuasi (II inci No. 1-4)**

۲. در ادامه، به تفصیل درباره ارتباط تصوف و فتوت، توضیح داده خواهد شد.
۳. واژه «فتی» و مشتقات آن که اغلب آن را «جوان» ترجمه کرده‌اند، در قرآن ده بار به کار رفته است؛ با این حال، تنها در مواردی که به اصحاب کهف، حضرت ابراهیم و حضرت یوسف (ع) اطلاق شده است، می‌توان برای آن معنایی مترادف «جوانمرد» در نظر گرفت.
۴. در خصوص دو واژه سالوک و صعلوک، علاوه بر اثر دکتر حاکمی، ر.ک: علاف فتحي ۱۳۴۶: ۶۸۷-۶۹۲.
۵. کاشفی در این صفحات به شرح احوال اهل زور می‌پردازد و از گروه‌های مختلفی مانند سنگ‌گیران، ناوه‌کشان، سله‌کشان، کشتی‌گیران و ... سخن می‌گوید.
۶. در این مقاله می‌کوشیم نشان دهیم، فتوت با حیات مدنی پیوندی وثیق دارد، از این رو بر تفاوت فتوت عرب جاهلی که با زندگی بدوی ایشان، هماهنگی داشت و فتوت سرزمین‌های اسلامی تأکید می‌ورزیم.
۷. تشنر یکی از دلایل گرایش‌های انحرافی و زوال فتوت را افراط در همین دو ویژگی دانسته، چنان که به تدریج «آزادواری و برپا داشتن ضیافت به شادخواری و آلودگی گرایید و و دلیری و دلاوری به خصومت و ستیز کشید» (تشنر ۱۳۸۲: ۴۸).
۸. مرحوم دکتر زرین‌کوب، از رابطه محکم میان فتوت و تشیع سخن گفته و انتساب فتوت به علی (ع) و توجه موالی ایرانی به تشیع را که خود با سازمان‌های صنفی ایران ساسانی آشنایی داشتند، یکی از دلایل آن برشمرده‌اند، همچنین توجه گروه‌هایی مانند اخوان‌الصفا و قرمطیان و اسماعیلیان به طبقات اصناف را دلیل دیگر توجه ویژه شیعیان به فتوت دانسته‌اند (نک: زرین‌کوب ۱۳۷۹: ۳۴۸)؛ با این حال نظریاتی نیز وجود دارند که فتوت را با تشیع، بی‌ارتباط قلمداد می‌کنند (نک: تشنر، ۱۳۸۲: ۴۸ و ۵۳).
۹. در باب ارتباط فتوت با آیین‌های ایران باستان، نیز بنگرید به: کی‌منش (۱۳۷۸) صص ۷۸-۷۹.
۱۰. میان کلمه «رفیق» با آنچه عده‌ای درباره صورت اصلی واژه عیار می‌گویند و آن را «ایار» فارسی می‌دانند، ارتباطی برقرار است (نک: بهار، محمد تقی ۱۳۸۵: ۱۱۲).
۱۱. مرحوم دکتر زرین‌کوب، به نقش صنعتگران و ارباب حرف در متشکل کردن هواداران ابومسلم و همچنین همراهی عیاران با یعقوب لیث صفاری اشاره می‌کند که جنگ‌جویان داوطلبی بودند که با انضباطی شبیه به انضباط اتحادیه‌های صنفی آموزش می‌دیدند و در مراکز شهری یا روستایی، به منظور جهاد یا به عنوان جبهه‌ای از مخالفان حاکمان محلی حضور می‌یافتند (نک: زرین‌کوب ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰).
۱۲. خلفای عباسی پیش از آن نیز برای پیروزی در مناقشات داخلی خود از عیاران کمک گرفته بودند، به طور مثال می‌توان به نزاع میان امین و مأمون و مستعین و معتز اشاره کرد (نک: حاکمی ۱۳۸۲: ۴۵).
۱۳. مؤلف رستم‌التواریخ در ادامه این مطلب به ذکر مواردی از این گستاخی‌ها می‌پردازد که سلطان صفوی از مجازات آن‌ها عاجز مانده است (نک: رستم‌الحکما ۱۳۴۸: ۱۰۸-۱۱۳).
۱۴. پیش از این به اهمیت وفای به عهد و پیمان در آیین‌های پیش از اسلام اشاره کردیم
۱۵. به عنوان نمونه، بنگرید به آنچه مرحوم زرین‌کوب در باب رابعه عدویه نقل می‌کند (۱۳۸۳: ۷۴-۷۵).

۱۶. برای نمونه ر.ک: قشیری ۱۳۸۳: ۳۵۵-۳۶۵.
۱۷. عده‌ای نیز بر آنند که پیوستن گروهی از عیاران به متصوفه، باعث پیدایی ملامتیه شده است (نک: افشاری، ۱۳۸۲: چهل و شش).
۱۸. در باب شد و اقسام آن و شرایط بستن آن، نک: کاشفی سبزواری ۱۳۵۰: ۱۰۲-۱۱۰.
۱۹. درباره جزئیات این تشکیلات از قبیل حزب و بیت و زعیم و نقیب ر.ک: تشر ۱۳۴۷: ۶۳۳-۶۳۴.
۲۰. برای اطلاع بیشتر درباره حرف مختلف، ر.ک: گولپینارلی ۱۳۷۸: ۱۲۰-۱۲۳.
۲۱. در کتاب الفتوه ابن‌المعمار که یکی از مهم‌ترین متون فتوت از قرن هفتم هجری است، شد ثقاف با انتساب به پیشه‌وری مرتبط دانسته شده است (نک: ابن‌المعمار ۱۹۵۸: ۱۵۱).
۲۲. البته در این مورد، همواره اتفاق نظر وجود نداشته است، مثلاً ابن‌المعمار صورنگران و رقاصان و نوازندگان و بوزینه‌داران و سگ‌بانان را ناقص‌الفتوه می‌داند، نه آن که ایشان را یک‌سره از دایره فتیان خارج کند (نک: ابن‌المعمار ۱۹۵۸: ۱۷۶-۱۷۷).
۲۳. مستوفی علاوه بر این، نان خوردن از دست‌رنج خود، احترام به بزرگ‌تر و مهربانی با کوچک‌تر، دستگیری از ضعفا، کمک به درماندگان، پاک‌دامنی و عفت، تعصب‌کشی از اهل محل و شهر و بی‌پروایی را نیز از خصایص این گروه معرفی می‌کند (نک: مستوفی ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۰۳).

